

روند توسعه شهر خرم‌آباد از عصر صفوی تا عصر پهلوی بر اساس تحلیل‌های GIS

فیروز مهجور

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

fmahjour@ut.ac.ir

مہتاب اسلامی نسب

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۱/۳۰

(از ص ۱۷۵ تا ۱۹۴)

چکیده

تاریخ شکل‌گیری شهر امروزی خرم‌آباد، مرکز استان لرستان، به اواسط دوران اسلامی (احتمالاً قرون ۵ تا ۷ هـ.ق) باز می‌گردد. پیش از آن، شهری به‌نام شاپورخواست که از شهرهای مهم دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی بوده، در جای آن قرار داشته است. شهر شاپورخواست در قرون ۷ یا ۸ هـ.ق از رونق افتاده و شهر خرم‌آباد در جای آن شکل گرفته و مرکزیت خود را آغاز نموده است. قدیمی‌ترین نقشه موجود از بافت تاریخی این شهر، مربوط به سال ۱۲۷۰ هـ.ق است که به‌وسیله نقشه‌برداران روسی تهیه شده است. با توجه به این نقشه و عکس‌های هوایی سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۴۷ هـ.ش، مطالعه محدوده اولیه و روند توسعه شهر خرم‌آباد از دوره صفوی تا دوره پهلوی با استفاده از اطلاعات به‌دست آمده از نرم‌افزار GIS و تحلیل آن، از مهم‌ترین اهداف این پژوهش است. هسته اولیه شکل‌گیری شهر و محدوده اولیه آن در دوره صفوی، بر اساس مدارک باستان‌شناختی تعیین شده‌اند. محدوده شهر در دوره قاجار و پهلوی نیز براساس نقشه سال ۱۲۷۰ هـ.ق و عکس‌های هوایی سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۴۷ هـ.ش مشخص گردیده است. این که اوج رونق و توسعه شهری مربوط به چه دوره‌ای بوده و چه عواملی منجر به توسعه فیزیکی آن در جوانب مختلف گردیده، از دیگر اهداف این پژوهش است. پژوهش حاضر بر اساس مطالعه منابع مکتوب و فعالیت‌های میدانی در بافت کهن شهر و بررسی نقشه‌های مرتبط با توسعه شهری صورت گرفته است. بر این اساس، اوج توسعه و رونق خرم‌آباد، در دوره صفوی و به‌ویژه دوره پهلوی بوده است. واقع شدن این شهر بر سر راه خوزستان در مسیر ارتباطی شمال به جنوب و همچنین انتخاب آن به‌عنوان مرکز استان در دوره پهلوی، از مهم‌ترین عوامل توسعه آن شهر بوده است. وجود ارتفاعات زاگرس در جوانب شرقی و غربی شهر به‌عنوان عامل محدود کننده و همچنین اراضی مسطح و مساعد جنوب شهر، منجر به توسعه فیزیکی در جهات شمالی و جنوبی شده است.

کلیدواژگان: شهر، توسعه شهری، شاپورخواست، خرم‌آباد، تحلیل‌های GIS.

مقدمه

خرم‌آباد در دره‌ای میان رشته‌کوه‌های زاگرس غربی قرار گرفته است. ارتفاعات سفیدکوه، مخملکوه و شیرکشان، محدوده غربی و شرقی شهر را در بر گرفته‌اند. وجود این ناهمواری‌ها، دلیل عمده‌ای بر وجود منابع غنی آب در منطقه، به‌ویژه غرب این دره می‌باشد. دو رودخانه مهم یعنی رودخانه خرم‌آباد با جهت شمالی- جنوبی و رود کرگانه با جهت شرقی- غربی، بر شکل‌گیری و توسعه شهر تأثیر گذار بوده‌اند (تصویر ۱).



تصویر ۱: موقعیت قرارگیری خرم‌آباد در میان رشته‌کوه‌های زاگرس غربی (Google 2012 Earth).

بنابراین عوامل عمده شکل‌گیری سکونت و استقرار در این منطقه و توسعه شهر عبارتند از:

۱. عوامل طبیعی و جغرافیایی: منابع غنی آب منطقه به‌ویژه عبور رودخانه‌های خرم‌آباد و کرگانه از این شهر.
۲. موقعیت ارتباطی: خرم‌آباد در مسیر شمال به جنوب مابین همدان و خوزستان قرار دارد و در مسیر غرب به شرق نیز یکی از محورهای ارتباطی با مرکز ایران محسوب می‌شود. بر اساس متون تاریخی و جغرافیایی کهن و با توجه به برخی یافته‌های محدود باستان‌شناختی در بخش‌های جنوب‌شرقی شهر کنونی خرم‌آباد، این شهر از روزگار ساسانیان تا پیش از قرون ۶ و ۷ هـ.ق و در نهایت تا قرن ۸ هـ.ق، زیر عنوان "شاپورخواست" در این منطقه حیات داشته است. شهر شاپورخواست به احتمال در قرن ۸ هـ.ق به دلایل نامعلومی از رونق می‌افتد و هسته اولیه شهر خرم‌آباد در شمال غرب آن یعنی در غرب و شمال غرب قلعه فلک‌الافلاک شکل می‌گیرد. از تاریخ شکل‌گیری شهر امروزی خرم‌آباد اطلاع دقیقی در دست نیست و به علت عدم مطالعات باستان‌شناختی، تاریخ و محل دقیق هسته اولیه شکل‌گیری شهر خرم‌آباد نیز نامشخص است. فقط می‌دانیم این هسته در محدوده غربی قلعه فلک‌الافلاک شکل گرفته است.

این پژوهش بر اساس پرسش‌های زیر و در جهت پاسخ‌گویی بدان‌ها صورت گرفته است:

۱. محدوده اولیه شهر خرم‌آباد کجا بوده است؟
 ۲. اوج توسعه و رونق شهر در چه دوره‌ای و روند آن بیشتر به کدام سو یا جوانب بوده است؟
- در پاسخ به سؤالات مذکور، فرضیه‌های زیر ارائه شده است:
۱. شهر خرم‌آباد در دوره میانی اسلامی، جایگزین شاپورخواست می‌شود؛ ضمن آن که محدوده آن نیز به سمت جنوب توسعه می‌یابد.
 ۲. خرم‌آباد در دوره صفویه رونق می‌یابد و در عصر پهلوی، توسعه آن به اوج می‌رسد.

روش عمده تحقیق مبتنی است بر: مطالعه و بررسی منابع مکتوب به‌ویژه متون تاریخی و جغرافیایی؛ بررسی نقشه‌های مربوط و انطباق آن‌ها به‌ویژه با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS). توضیح آن که محدوده احتمالی شهر در عصر صفوی بر اساس آثار مربوط به این دوره و نیز محدوده دقیق شهر در دوره‌های قاجار و پهلوی بر اساس نقشه سال ۱۲۷۰ هـ.ق و عکس‌های هوایی سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۴۷ هـ.ش و انطباق آن‌ها بر نقشه سال ۱۳۹۰ هـ.ش، مشخص گردیده است. استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) به افزایش دقت در داده‌های مکانی پژوهش کمک شایانی می‌نماید؛ ضمن آن که انطباق دقیق نقشه‌ها و عکس‌های در دسترس نگارندگان، منجر به ارائه تصویری دقیق از شکل و توسعه شهر از دوره صفوی تا پهلوی می‌گردد.

پیشینه پژوهش

اهم مطالعات و پژوهش‌ها در این منطقه، به‌وسیله پژوهشگران داخلی به انجام رسیده است. در دهه ۱۳۵۰ هـ.ش، حمید ایزدپناه با هدف معرفی آثار فرهنگی لرستان، فعالیت‌هایی را آغاز نمود و در نهایت موفق به انتشار دو جلد کتاب با عنوان آثار باستانی و تاریخی لرستان گردید که متضمن برخی اطلاعات اولیه و بنیادین در زمینه بافت شهری خرم‌آباد است. ایرج کاظمی نیز در کتاب بررسی پیشینه تاریخی، اجتماعی و ساختار شهری خرم‌آباد اشاراتی به بافت کهن این شهر نموده است. هیأت باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی لرستان نیز با هدف شناسایی سطحی و مقدماتی تپه‌ها و معرفی غارهای دره خرم‌آباد و به‌منظور شناخت بستر قلعه فلک‌الافلاک، اقدام به بررسی‌هایی سطحی از دره خرم‌آباد نمود که گزارش آن در سال ۱۳۷۹ هـ.ش در دو مجلد تهیه شد و اکنون در مرکز اسناد میراث فرهنگی لرستان نگهداری می‌شود. فرید قاسمی نیز در کتاب‌های تاریخ خرم‌آباد و خرم‌آبادشناسی که در ۴ مجلد به چاپ رسید؛ حمید عیدی در کتاب یادگار عمر: خاطراتی از خرم‌آباد قدیم و هم‌چنین نصرت‌الله میر در تاریخ پانصد ساله لرستان (۱۰۰۶-۵۰۶ هـ.ق) به بافت شهری خرم‌آباد اشاره نموده‌اند.

جلال عادل‌ی نیز طی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ هـ.ش به‌منظور شناخت بقایای شهر شاپورخواست، در پیرامون مناره آجری خرم‌آباد، اقدام به کاوش نمود که منجر به کشف آثاری از اواخر دوران تاریخی و اوایل دوران اسلامی شد. وی این آثار را مربوط به شهر تاریخی - اسلامی شاپورخواست می‌داند. در این پژوهش، نگارندگان هم‌چنین موفق شدند برخی اطلاعاتی پایه‌ای را از طریق طرح بهسازی و نوسازی

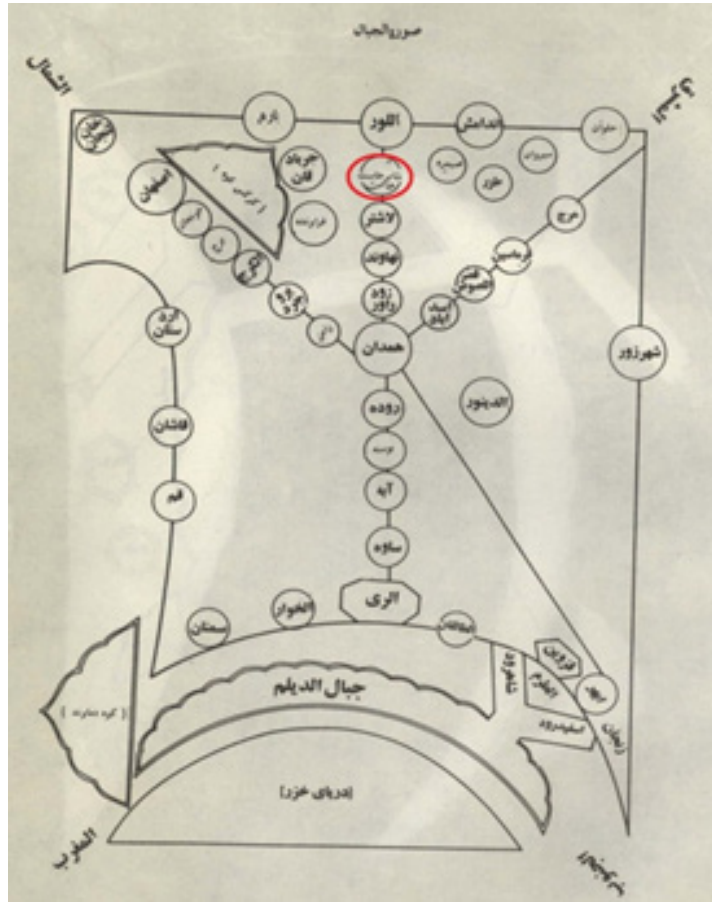
بافت فرسوده شهر خرم‌آباد که به‌وسیله شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران در سال ۱۳۸۹ انجام گردید، به‌دست آوردند. برخی پژوهشگران غیر ایرانی نیز به مطالعه میدانی دره خرم‌آباد پرداخته‌اند که می‌توان به پژوهش‌های سرهنری راولینسون اشاره نمود. وی در سال ۱۸۳۶ م. از دره خرم‌آباد بازدید به‌عمل آورد و پیشنهاد نمود که خرم‌آباد می‌تواند در جای شاپورخواست مکان‌یابی گردد. خرم‌آباد در قرن بیستم میلادی بیشتر مورد توجه باستان‌شناسان خارجی از جمله ولفرام کلایس، هنری رایت، جیمز نلی، جودیت برمن و گریگوری جانسون قرار گرفت. ایشان گزارش‌هایی در مورد منطقه ارائه نمودند که متضمن اطلاعاتی درباره شهر شاپورخواست و دوره‌های ساسانی و اسلامی دره خرم‌آباد بود.

از آن‌جا که پژوهش‌های چندانی در ارتباط با شهر اسلامی امروزی خرم‌آباد و بافت شهری و روند توسعه آن از زمان شکل‌گیری تا به امروز انجام نشده، نگارندگان برآنند تا بر اساس مدارک باستان‌شناختی و نقشه‌ها و تصاویر مرتبط با بافت این شهر و اطلاعات حاصل از GIS، این کاستی را جبران نموده و اطلاعاتی در مورد بافت شهر امروزی خرم‌آباد ارائه دهند.

جغرافیای تاریخی منطقه

کهن‌ترین منبعی که نام شاپورخواست در آن ذکر شده، البلدان ابن فقیه (۲۹۰ هـ) است، که متضمن چهار کلمه راجع به موقعیت شاپورخواست، بدین شرح است: «... و بطن ماستر و هو شاپورخواست و ...» (ابن فقیه همدانی، ۱۳۴۹: ۲۵). حمزه اصفهانی (۳۶۰-۲۷۰ هـ) نیز در ذکر اخبار پادشاهان ایران، شهرهای بنا شده توسط شاپور پسر اردشیر ساسانی را بدین شرح نام می‌برد: «... و شهرهایی نیز بنا کرد، از آن جمله است: نیشاپور، بیشاپور، شادشاپور، به از اندیوشاپور، شاپورخواست، بلاش‌شاپور، و فیروزشاپور» (حمزه اصفهانی، ۱۳۶۷: ۴۶). اصطخری (۳۴۰ هـ) در ممالک و مسالک در ذیل بخش "یاد کردن راهی که از همدان به خوزستان می‌رود و ذکر مسافتات آن"، نام شاپورخواست را به‌صورت شابرخواست آورده و موقعیت آن را روی نقشه‌ای از صورت دیار جبال مشخص کرده، می‌نویسد: «اول از همدان تا رودآور و از رودآور تا نهاوند هفت فرسنگ، و از نهاوند تا لاشتر، ده فرسنگ و از لاشتر تا شابرخواست، دوازده فرسنگ و از شابرخواست تا لور، سی فرسنگ و درین مسافت هیچ شهر و دیه نیست و از لور تا شهر اندامش، دو فرسنگ و از قنطره‌اندامش تا جندی‌سابور، دو فرسنگ» (اصطخری، ۱۳۷۳: ۲۰۳) (نقشه ۱).

نویسنده ناشناس حدودالعالم (۳۷۲ هـ) نام این شهر را ذیل عنوان "ناحیت جبال" بعد از ذکر نام شهر نهاوند و لیشتر آورده، می‌نویسد: «شاپورخواست {سارجلست}، جایی ... است» که بقیه آن از بین رفته است (حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۷۲: ۳۹۰). نام شاپورخواست در بسیاری دیگر از متون کهن دوران اسلامی ذکر گردیده است و بنای آن را به شاپور، پسر اردشیر نسبت داده‌اند که ذکر همه آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد (ن.ک. ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۴؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۰۱-۶۰۰؛ ابن اثیر، ۱۳۵۱: ۳۵۳؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۸۷۳؛ یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ۶۷؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲ الف: ۱۷۱ و ۱۷۲). گزارش جوینی در تاریخ جهان‌گشا (۶۵۸ هـ) از عظمت و اعتبار شاپورخواست در گذشته و از تنزل آن در قرن ۷ هـ. ق. حکایت



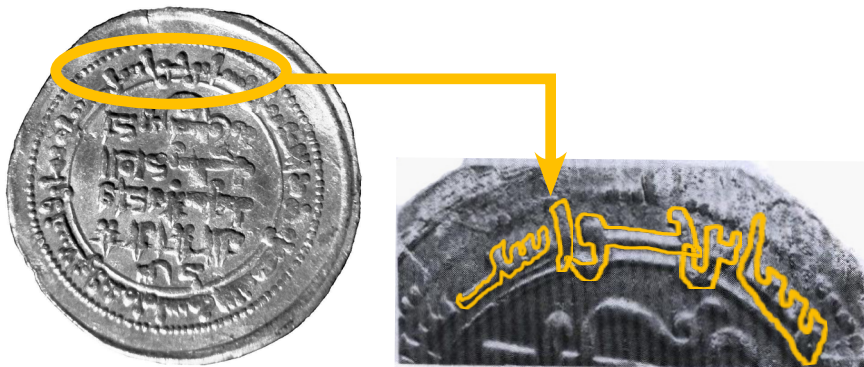
نقشه ۱: نقشه ترسیمی اصطخری از صوره الجبال که نام شاپورخواست بین لاشتر (الاشتر) و اللور دیده می‌شود (اصطخری، ۱۳۷۳: ۵۶۵).

می‌کند: «و شاپورخواست شهری بزرگ بودست، مشهور و معروف و ذکر آن در تواریخ مسطور رسمی بیش نمانده...» (جویی، ۱۳۸۷: ۴۹۲). مستوفی نیز در قرن ۸ هـ ق پس از بروجرد و خرم‌آباد از شاپورخواست به‌عنوان یکی از شهرهای آبادان لر کوچک یاد می‌نماید که البته در آن زمان تبدیل به قصبه‌ای شده بود، وی می‌نویسد: «و از شهرهای آن جا سه معمور است، بروجرد و خرم‌آباد و شاپورخواست و آن در اول شهری بود و از هر جنس مردم بسیار در آن جا بودند و بغایت معمور و آباد و تختگاه پادشاهان، و اکنون قصبه است» (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲ الف: ۶۵). این مطالب دلالت می‌کند که در آن زمان شاپورخواست کاملاً متروک نشده بود تا خرم‌آباد جای آن را بگیرد، بلکه با آن که به‌صورت قصبه‌ای کوچک در آمده بود، اما همچنان از رونق نسبی برخوردار بوده است.

علاوه‌بر متون کهن، کاوش‌ها و داده‌های مختصر باستان‌شناختی به شرح زیر نیز دلالت دارند که مهم‌ترین منطقه‌ای که می‌توان شهر شاپورخواست را در آن مکان‌یابی کرد، شهر خرم‌آباد است:

۱. خرابه‌های این شهر اکنون در جنوب و جنوب‌شرق خرم‌آباد در زیر محلات مسکونی قرار دارند. از جمله شواهد باستان‌شناختی مرتبط با شهر شاپورخواست، سکه‌های مکشوف از جنوب شهر خرم‌آباد است که نام ضرابخانه شاپورخواست بر روی آن‌ها ثبت شده است (تصویر ۲) (پورغلام و خاکباز، ۱۳۷۶: ۱۲۶-۱۲۱؛ پرویز، ۱۳۸۰: ۴۱؛ قوچانی، ۱۳۷۳: ۶۵-۴۶).

۲. مهم‌ترین مدرک باستان‌شناختی در مکان‌یابی شهر شاپورخواست، کتیبه‌ای سنگی مربوط به این دوره می‌باشد که نام شاپورخواست به وضوح روی آن مشخص است. سنگ‌نوشته مزبور را که هرتسفلد در سال ۱۹۲۸ م. مطرح کرد (Herzfeld، 1929: 70)، در کنار خیابان شریعتی در شرق خرم‌آباد قرار دارد (تصویر ۳). به‌طور قطع معلوم نیست این شهر در چه سالی و به چه علتی از سکنه، خالی و ویران شده؛ اما ذکر نام آن در تاریخ گزیده، تحت عنوان یکی از شهرهای لر کوچک، حاکی از سکونت و بقا تا آن دوره و حفظ موقعیت اداری و ایالتی آن تا قرون هفتم و هشتم هجری قمری است، اما از آن‌جا که در کتب قرون ۸ هـ.ق به بعد



تصویر ۲: نام شاپورخواست بر روی سکه (قوچانی، ۱۳۷۳: ۵۰).

مانند ظفرنامه، دیگر نامی از شاپورخواست دیده نمی‌شود و نام خرم‌آباد جایگزین آن گردیده است (یزدی، ۱۳۳۶: ۴۲۰ و ۴۲۱)، به‌نظر می‌رسد که احتمالاً خرم‌آباد در گذشته یکی از قصبات شاپورخواست بوده و در قرون ۷ و ۸ هـ.ق با از رونق افتادن شاپورخواست، آن‌جا مرکزیت یافته است. به هر حال به عللی که بر ما معلوم نیست (احتمالاً عوامل طبیعی و جغرافیایی)، شاپورخواست از رونق افتاده و جای خود را به شهر خرم‌آباد داده است (سجادی، ۱۳۸۴: ۲۰۰).



تصویر ۳: نام سابورخواست بر سنگ نوشته کوفی خرم‌آباد سال ۵۱۳ هـ.ق (عکس کاتالوگ سازمان میراث فرهنگی استان لرستان).

پیشینه خرم‌آباد

پیشینه شهر خرم‌آباد، حداقل به عصر ساسانی می‌رسد؛ البته نه با این نام بلکه با عنوان "شاپورخواست". خرم‌آباد امروزی، به احتمال همان شاپورخواست عصر ساسانی است که شاپور اول آن را بنا نموده و ذکر آن در متون کهن اسلامی نیز آمده است (مجم‌التواریخ و القصص، ۱۳۱۸: ۴۶ و ۶۳؛ ابن‌بلخی، ۱۳۶۳: ۶۳؛ حمزه اصفهانی، ۱۳۶۷: ۴۶). همان‌طور که اشاره شد، این شهر به احتمال در قرون ۷ و ۸ هـ.ق از رونق می‌افتد و شهر خرم‌آباد امروزی جایگزین آن می‌شود. در هیچ‌یک از کتب قبل از قرن هشتم هجری قمری از خرم‌آباد نامی برده نشده و قدیمی‌ترین منبعی که این نام در آن دیده می‌شود، تاریخ‌گزیده مستوفی (۷۳۱ هـ.ق) است که در آن سه شهر بروجرد، خرم‌آباد و شاپورخواست با هم ذکر شده‌اند: «... از شهرهای آن‌جا سه معمور است: بروجرد و خرم‌آباد و شاپورخواست...» (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲ الف: ۶۵). اما مستوفی در دیگر اثر خود یعنی نزهةالقلوب که ده سال بعد به رشته تحریر درآورده، دیگر نامی از شاپورخواست به میان نیاورده و تنها به خرم‌آباد اشاره کرده (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲ ب: ۷۰) که حاکی از متروک شدن شاپورخواست و جانشینی خرم‌آباد به جای آن است. از این قرن به بعد، نام خرم‌آباد به‌طور مکرر در متون دوران اسلامی ذکر گردیده است (ن.ک. یزدی، ۱۳۳۶: ۴۲۰؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۳۳؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۲۵۳؛ غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۹۸).

نام خرم‌آباد برای اولین بار بر روی سکه‌ای مکشوف از تپه‌های اطراف خرم‌آباد که به احتمال متعلق به یکی از حکام محلی امرای لر کوچک است، دیده شده است. در یک طرف این سکه، که تنها مدرک باستان‌شناختی موجود در ارتباط با نام این شهر است، "خرم‌آباد" و در طرف دیگر، "شیری درحال حمله به گوزن" نقش گردیده است (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۱۴۰؛ خودگو، ۱۳۷۸: ۹۸) (تصویر ۴).

مراحل توسعه شهر خرم‌آباد تا پایان عصر صفوی

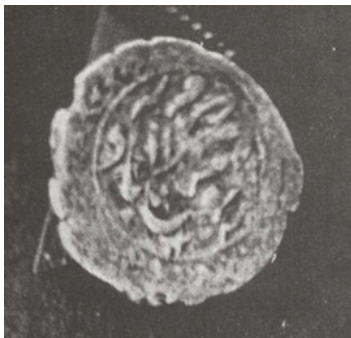
به‌طور کلی برای مشخص کردن مراحل توسعه شهر خرم‌آباد از عصر صفوی تا عصر پهلوی، از مدارک زیر استفاده شد:

۱. نقشه سال ۱۳۹۰ هـ.ش که محدوده شهر را در این سال نشان می‌دهد.
۲. قدیمی‌ترین عکس هوایی موجود شهر که مربوط به سال ۱۳۳۴ هـ.ش است.
۳. عکس هوایی سال ۱۳۴۷ هـ.ش.

سپس این عکس‌ها از طریق نرم افزار GIS، بر یک‌دیگر منطبق گردیدند تا با قرارگیری لایه‌ها بر یک‌دیگر، چگونگی توسعه شهری مشخص شود؛ که در نهایت، نتایج زیر به‌دست آمد:

۱. هسته شکل‌گیری شهر، مطابق با نقشه شماره ۲ مشخص گردید (نقشه ۲). این محدوده که اطراف مقبره زیدبن علی (ع) را دربرمی‌گیرد، از شرق به خیابان امام خمینی، از جنوب به خیابان ۲۴ متری حکیم، از غرب تا مجاورت خیابان حافظ و از شمال تا نزدیکی خیابان مجاهدین اسلام محدود می‌شود.

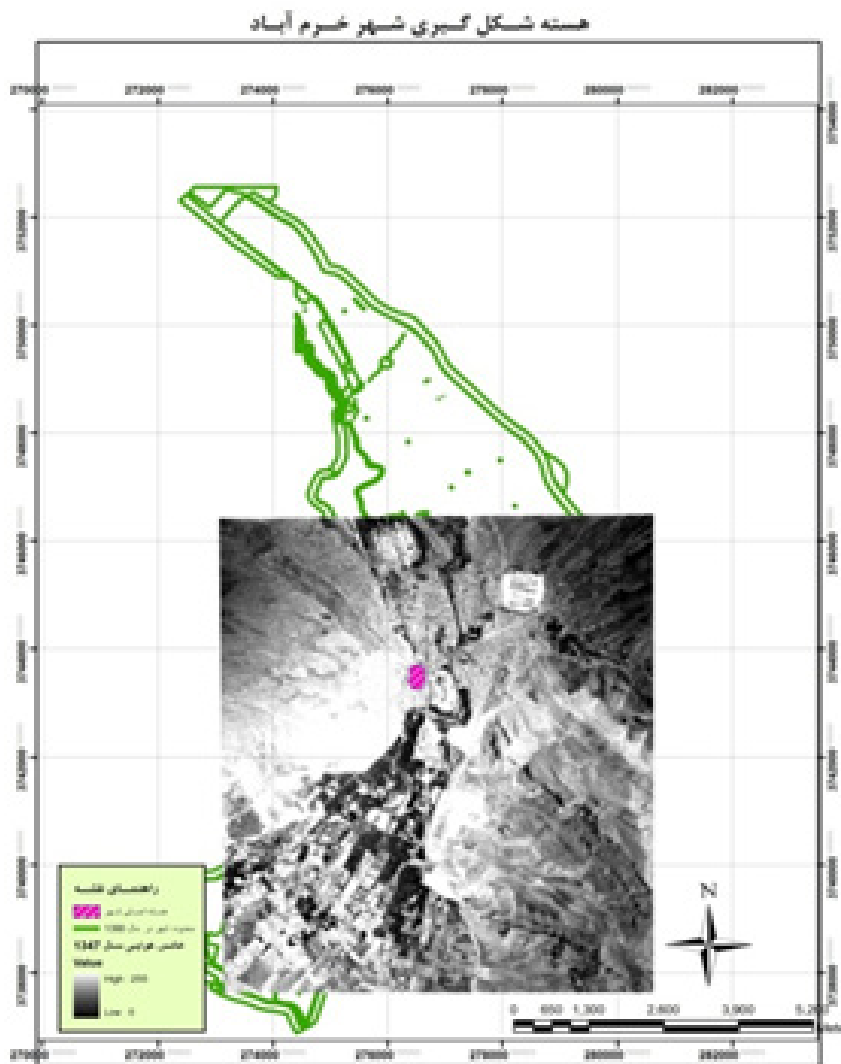
۲. منشی و مورخ دربار صفویه اسکندربیک ترکمان از این شهر، با عنوان خرماباد نام برده (اسکندربیک ترکمان، ۱۳۵۰: ۴۶۹) که نشان‌دهنده اهمیت این شهر در دوره صفوی است. بناهایی از دوره صفوی در سطح شهر وجود دارند که با تحلیل



تصویر ۴: طرفین سکه‌ای که متضمن نام خرم‌آباد بر روی آن و نقش حمله شیر به گوزن در پشت آن است (پنج برابر اندازه واقعی)، (ایزد پناه، ۱۳۷۶: ۱۴۰).

موقعیت قرارگیری آن‌ها محدوده احتمالی گسترش شهر در عصر صفوی مطابق با نقشه شماره ۳ مشخص شد (نقشه ۳). در این میان، از بنای مسجد جامع خرم‌آباد که تاریخ احداث آن به سال ۹۷۰ هـ ق برمی‌گردد؛ سنگ‌نوشته‌هایی مربوط به تعمیر مسجد در سال‌های ۱۰۶۴ و ۱۱۱۰ هـ ق باقی‌مانده، که از مهم‌ترین مدارک موجود عصر صفوی به‌شمار می‌آیند. مسجد جامع در سال ۱۳۱۲ هـ ش جهت خیابان‌کشی، تخریب شد و اکنون بنای حوزه علمیه کمالیه در جای آن قرار دارد.

از دیگر شواهدی که محدوده و گستره شهر را در عصر صفوی مشخص می‌کنند، برخی آثار برجای مانده از آن دوره، مانند کتیبه‌های مقبره زیدبن علی (ع)، متعلق به سال‌های ۹۵۰ هـ ق و ۱۱۱۷ هـ ق؛ پل گپ؛ حمام گپ و نیز حمام والی است که امروزه در جای آن پاساژ قائم احداث شده است (نقشه ۴). پل گپ، به وضوح، بر ارتباط شهر از غرب به شرق رودخانه و در نتیجه گسترش شهر به جانب شرقی پل دلالت می‌کند. آن‌چه در توسعه شهر تا این تاریخ مشخص است، گسترش آن به جانب شرق و تا حدودی به جانب غرب و شمال بوده است. توضیح آن‌که پل گپ، سبب توسعه فیزیکی شهر به جانب شرق گردید و شرایط جغرافیایی مناسب از



نقشه ۲: هسته شکل‌گیری شهر خرم‌آباد بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۴۷ هـ ش (نگارندگان).

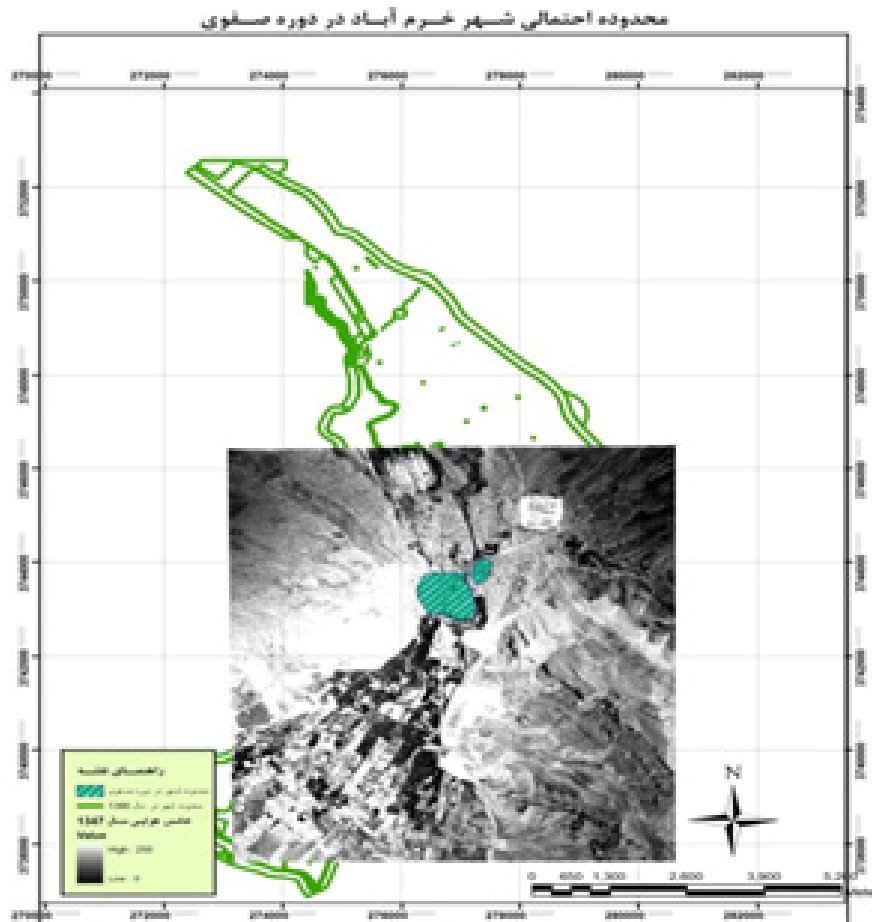
جمله وجود منابع غنی آب و هموار بودن سطح زمین‌های اطراف و هم‌چنین وجود ارتفاعات سفید کوه به‌عنوان عاملی دفاعی، گسترش شهر به جانب غرب و شمال را به دنبال داشت.

به‌طور کلی شناخت چگونگی روند توسعه شهر خرم‌آباد در دوران قبل از قاجار، بسیار مشکل است؛ زیرا ضمن آن که منابع مکتوب و متون تاریخی، اطلاعات چندانی در مورد وضعیت شهری ارائه نمی‌نمایند، کاوش‌های باستان‌شناسی چندانی نیز در سطح شهر انجام نشده است.

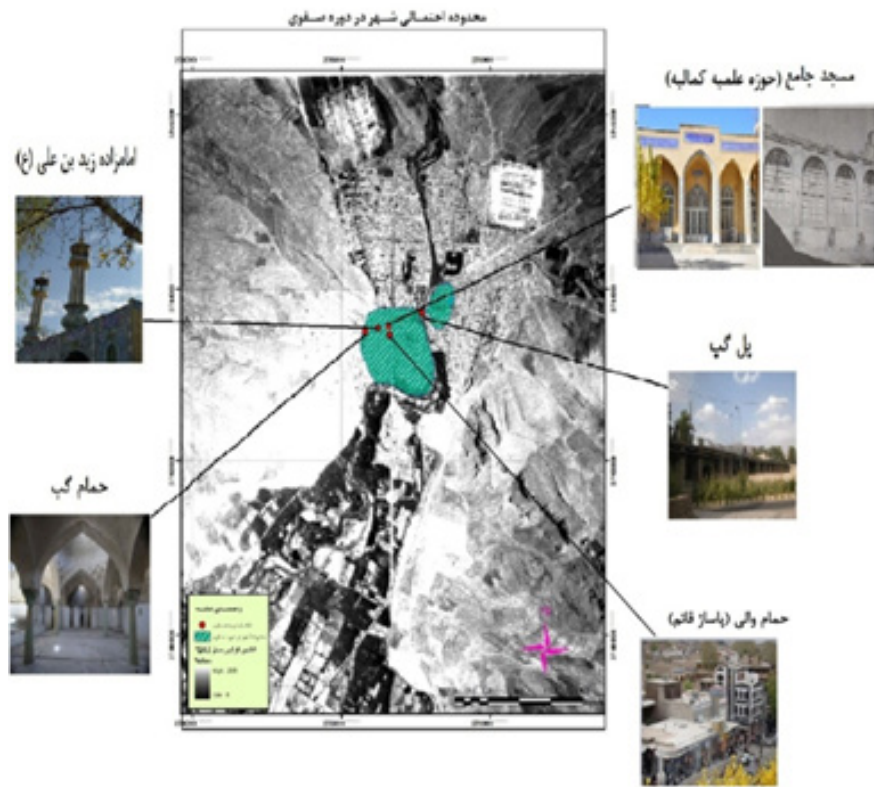
مراحل توسعه شهر تا سال ۱۲۳۳ هـ.ش / ۱۲۷۰ هـ.ق

از سال ۱۲۷۰ هـ.ق نقشه‌ای از محدوده شهر خرم‌آباد در دست است که به‌وسیله نقشه‌برداران روسی ترسیم شده است (مه‌ریار، ۱۳۷۸: ۴۶) (نقشه ۵). نقشه مزبور بافت شهری دوره قاجار را در کنار قلعه فلک‌الافلاک به همراه برج و باروی اطراف قلعه نشان می‌دهد.

نگارندگان با منطبق کردن نقشه سال ۱۲۷۰ هـ.ق بر روی نقشه سال ۱۳۹۰ هـ.ش، محدوده شهر را در سال ۱۲۷۰ هـ.ق مقارن سال ۱۲۳۳ هـ.ش، مطابق با نقشه شماره ۵ مشخص کرده‌اند (نقشه ۶). شهر در این تاریخ به جانب شمال و غرب گسترش یافته ولی توسعه چندانی به طرف جنوب یا شرق نداشته است. بر این

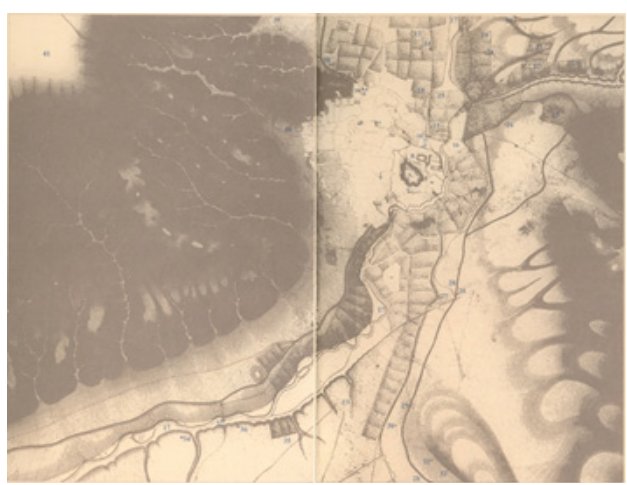


نقشه ۳: محدوده احتمالی شهر خرم‌آباد در دوره صفوی بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۴۷ هـ.ش (نگارندگان).



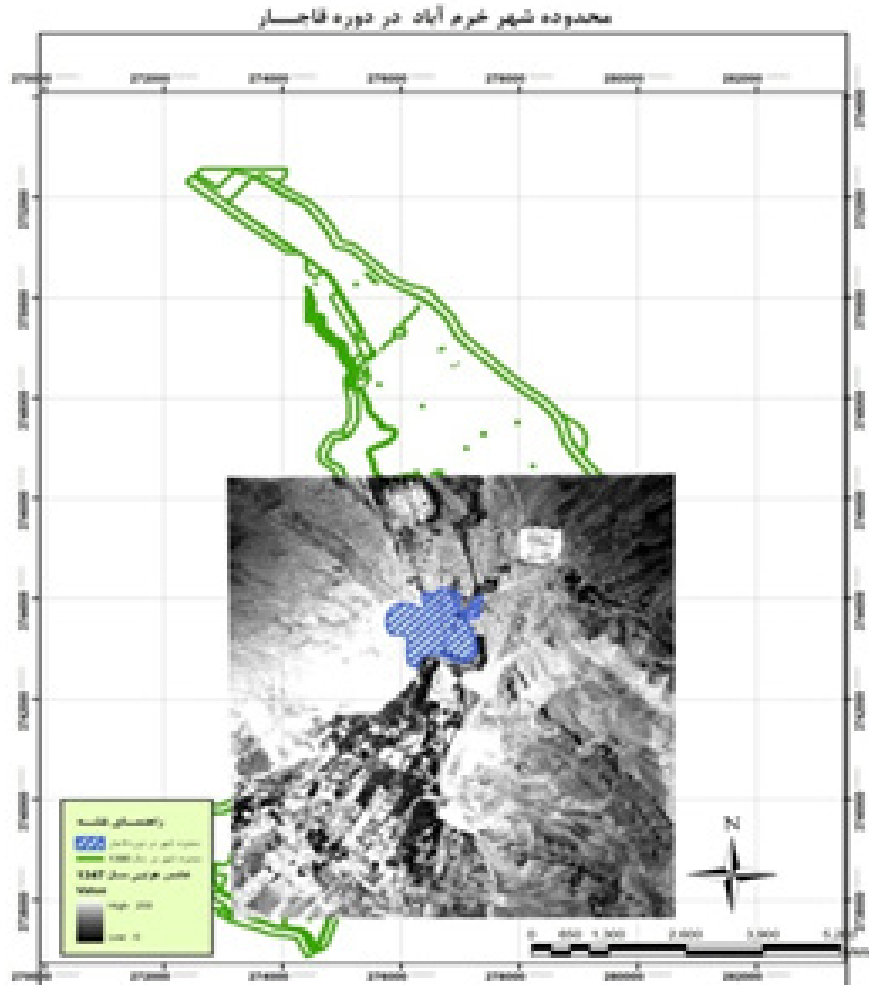
نقشه ۴: موقعیت قرارگیری بناهای دوره صفوی و تخمین محدوده شهر در این دوره (نگارندگان).

اساس، محدوده شهر در دوره قاجار، از شمال محدود به شمال خیابان مجاهدین اسلام و سبزه میدان تا حدود چهار راه بانک، از غرب تا حدود خیابان شهید کرمی، از جنوب به محدوده رودخانه خرم‌آباد و جنوب مجموعه قلعه و از شرق و شمال شرقی به شرق مجموعه قلعه و قسمتی از اراضی شرقی پل گپ محدود می‌شده است. وجود منابع غنی آب در شمال شهر مانند وجود چشمه‌های آب گرداب دارایی و گرداب سنگی و هموار بودن سطح زمین تا دامنه‌های ارتفاعات سفیدکوه، شواهدی از توسعه فیزیکی شهر بدین جوانب به حساب می‌آیند. وجود رودخانه خرم‌آباد در جنوب شهر و نبود پل ارتباطی بر روی این بخش از رودخانه نیز مانع توسعه شهر به جانب جنوب بوده است.



نقشه ۵: نقشه ترسیم شده به وسیله نقشه‌برداران روسی در سال ۱۲۷۰ هـ.ق (مهریار، ۱۳۷۸: ۴۶).

نقشه ۶: محدوده شهر خرم‌آباد در دوره قاجار بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۴۷ هـ.ش و نقشه سال ۱۲۷۰ هـ.ق (نگارندگان).



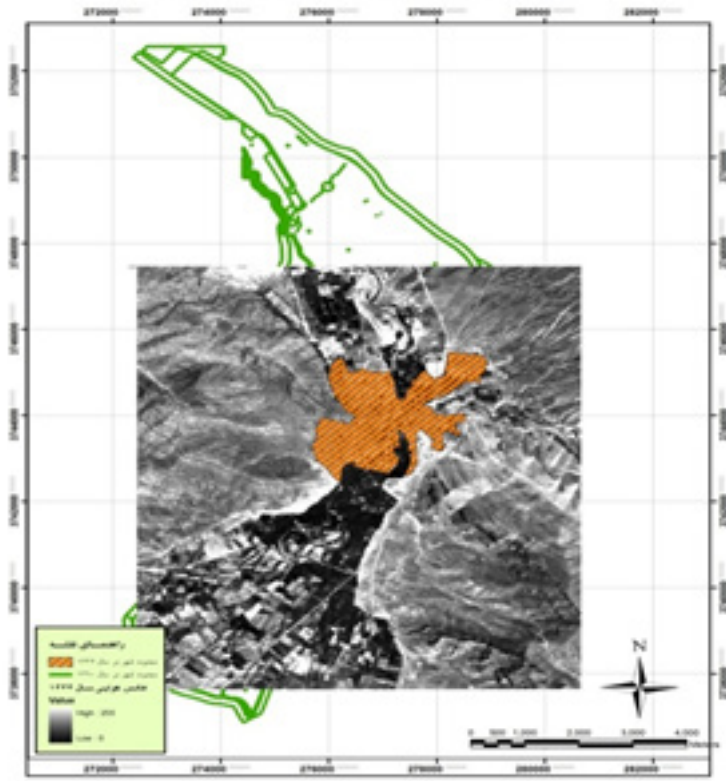
توسعه شهر از سال ۱۲۳۳ هـ.ش / ۱۲۷۰ هـ.ق تا سال ۱۳۳۴ هـ.ش

قدیمی‌ترین عکس هوایی موجود از شهر خرم‌آباد متعلق به سال ۱۳۳۴ هـ.ش می‌باشد که براساس آن روند گسترش شهر نسبت به دوره قاجار پیشرفت چشمگیری داشته و علاوه بر گسترش به جوانب شمال و غرب، توسعه آن در جهت‌های شرق و شمال‌شرقی نیز ادامه یافته است (نقشه ۷).

توسعه شهر تا سال ۱۳۴۷ هـ.ش

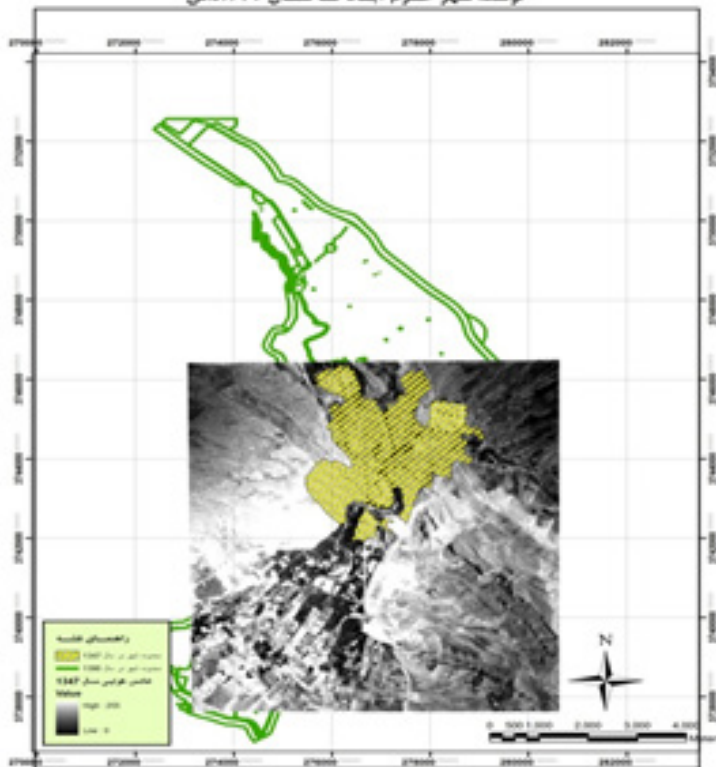
در این مرحله نیز با منطبق کردن عکس هوایی مربوط به سال ۱۳۴۷ هـ.ش بر نقشه سال ۱۳۹۰ هـ.ش، محدوده شهر در سال ۱۳۴۷ هـ.ش مشخص و طبق نقشه شماره ۷ گسترش شهر تا این سال معلوم گردید (نقشه ۸). در این مرحله، علاوه بر گسترش شهر به جوانب غرب، شرق و شمال، شاهد توسعه آن به طرف جنوب نیز هستیم که تا پیش از این سال دیده نمی‌شد و عامل آن احداث پل شمالی - جنوبی حاج علی‌اصغر خرم‌آبادی در سال ۱۳۳۰ هـ.ش بوده است. در سال ۱۳۴۷ هـ.ش گسترش شهر در جهت‌های شمال و شمال‌شرق بیشتر از سال‌های قبل بوده است (نقشه ۹).

توسعه ی شهر خرم آباد تا سال ۱۳۳۴ ه.ش



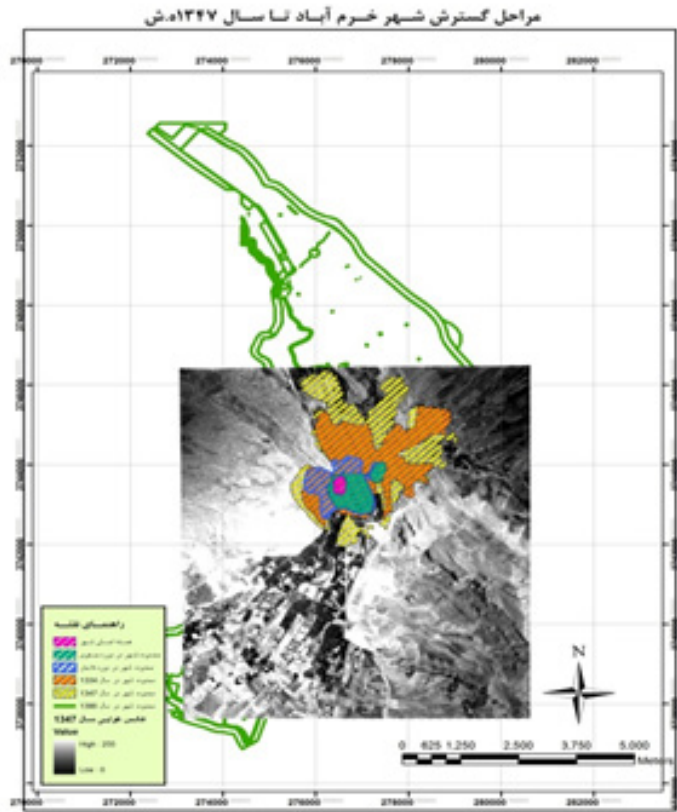
نقشه ۷: توسعه شهر خرم‌آباد تا سال ۱۳۳۴ ه.ش بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۳۴ ه.ش. (نگارندگان).

توسعه شهر خرم آباد تا سال ۱۳۴۷ ه.ش



نقشه ۸: توسعه شهر خرم‌آباد تا سال ۱۳۴۷ ه.ش بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۴۷ ه.ش. (نگارندگان).

نقشه ۹: مراحل گسترش شهر خرم‌آباد تا سال ۱۳۴۷ هـ.ش بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۴۷ هـ.ش. (نگارندگان).



تحلیل داده‌های GIS در رابطه با گسترش شهر خرم‌آباد

در این مبحث با توجه به تحلیل داده‌های GIS، گستره شهر، به ترتیب در دوره‌های صفوی، قاجار و پهلوی تعیین می‌گردد.

الف. دوره صفوی: محدوده احتمالی شهر در عصر صفوی، براساس آثار باستان‌شناختی مربوط به این دوره مشخص گردید. در این دوره، در شرق مجموعه قلعه فلک‌الافلاک، مسجدی به‌نام مسجد غریبه ساخته می‌شود (رزماً، ۱۳۲۰: ۱۸۳)؛ که اکنون تخریب و جای آن مسجد جدیدی توسط ارتش و سپاه احداث شده است. لذا محدوده احتمالی شهر در دوره صفوی، تا حد رودخانه در شرق قلعه پیشنهاد می‌شود. گسترش شهر در دوره صفوی به جوانب شمال و جنوب نسبت به جهات دیگر بسیار کم‌تر بوده است. احداث پل گپ که ارتباط شهر را با دو طرف رودخانه برقرار می‌کرده، عامل اصلی گسترش شهر به طرف شرق و به‌طور کلی عامل توسعه و رونق شهر در این دوره بوده است. متون دوره صفوی نیز رونق و آبادانی خرم‌آباد را در این دوره تایید و از آن به‌عنوان «ولایتی به غایت معمور»، یاد نموده‌اند، در حالیکه شهرهای مجاور مانند دزفول و بروجرد را به‌عنوان "قصبه" معرفی کرده‌اند (حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۴۸). به‌رحال خرم‌آباد در دوره صفوی، بزرگ‌تر از شهرهای مجاور بوده است (آریا، ۱۳۷۶: ۲۲؛ حزین لاهیجی، ۱۳۵۰: ۴۸).

دیگر اثر فوق‌العاده مهم دوره صفوی، که جنبه شهری-تجاری داشته، کاروانسرای است مشتمل بر یکصد حجره، که توسط میرزا محسن مظفرالملک، در محله

علی‌آباد واقع در شرق رودخانه، احداث می‌شود. این کاروانسرا که اکنون از بین رفته، به‌طور چشمگیری بر مبادلات تجاری و در نتیجه، رونق شهر می‌افزاید. نتیجه آن که با ایجاد پل گپ که زمینه گسترش شهر به جانب شرقی رودخانه فراهم شد و با توجه به وجود چنین کاروانسرای در این محله که اکنون به‌نام محلات باغ‌دختران و شمشیرآباد مشهور است، به احتمال محدوده شهر در دوره صفوی تا این منطقه ادامه داشته است. در دوره حکومت محلی "والیان لرستان" که در زمان شاه‌عباس اول تا سال ۱۳۴۸ هـ.ق بر لرستان حکومت می‌کردند، به علت سازش با حکومت مرکزی صفوی، آسایش و آرامش، منطقه را فراگرفت (خودگو، ۱۳۷۸: ۱۴۳؛ ساکی، ۱۳۴۳) و لرستان یکی از استان‌های مهم ایران و یکی از چهار والی‌نشین غرب کشور گردید و این امر به‌طور طبیعی بر توسعه و رونق شهر خرم‌آباد تأثیر به‌سزایی نمود.

ب. دوره قاجار: محدوده دقیق شهر در دوره قاجار با در دست داشتن نقشه سال ۱۲۷۰ هـ.ق، مشخص شد. شهر در این دوره تقریباً همان توسعه شرقی در دوره صفوی را شامل می‌شود؛ ضمن آن که از جهات شمالی و غربی نیز گسترش می‌یابد. مورگان در سفری که در سال ۱۸۹۰ م. به این شهر داشته، می‌نویسد: «خرم‌آباد نسبتاً شهر کوچکی است که بد بنا و تدارک شده است» (مورگان، ۱۳۳۸: ۲۰۸). این نشان می‌دهد که در دوره قاجار، بافت شهری به‌شکل نامنظم و ارگانیک بوده و به‌طور منظم و سازمان‌یافته، توسعه نیافته است. با این وجود در این دوره، به علت عدم امنیت، سکونت در بافت قدیم شهر، به‌دلیل تنگ و فشرده بودن بافت، ادامه می‌یابد و همین امر موجب گسترش بافت سنتی می‌شود. در اواخر حکومت ناصرالدین شاه، به علل مختلفی چون عوامل طبیعی مانند سیل و عوامل سیاسی مانند بی‌توجهی حاکمان، شاهد روند ویرانگر بافت تاریخی شهر و عمارت حکومتی آن یعنی قلعه می‌باشیم (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۸ شعبان ۱۲۷۲، نمره ۲۷۳، ص ۲؛ دالوند، ۱۳۸۸)؛ به‌طوری که اشخاصی مانند خانم ایزابل بیشاپ و مورگان نیز که به ترتیب در سال ۱۳۰۷ هـ.ق و در واپسین روزهای سال ۱۳۰۸ هـ.ق از خرم‌آباد دیدار نموده‌اند؛ از این ویرانی و ناسامانی گزارش داده‌اند (بیشاپ، ۱۳۷۶: ۲۲۴-۲۲۲؛ مورگان، ۱۳۳۸: ۲۰۸). در گزارش‌های تصویری مورگان نمایی از شهر و قلعه را داریم که اوضاع ویران آن به تصویر کشیده شده است. به علت تلاش دولت قاجار، جهت پایان دادن به سکونت در بافت سنتی و تداوم سکونت در بافت‌های جدید در آن سوی پل گپ، گسترش شهر ادامه می‌یابد و همان‌طور که اعتمادالسلطنه در تاریخ منتظم ناصری آورده، شواهدی دال بر آبادانی خرم‌آباد در دوران قاجار داریم. وی در شرح وقایع سال ۱۲۶۸ هـ.ق آسیا (ایران) می‌نویسد: «شهر خرم‌آباد را که آب جاری نداشت نواب احتشام‌الدوله دارای آب جاری کردند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۳۳). وی در شرح وقایع سال ۱۲۷۴ هـ.ق نیز به آبادانی دوباره قلعه خرم‌آباد و باغ علی‌آباد اشاره می‌نماید (همان: ۱۸۰۱). این دوره را می‌توان آغاز مهاجرت از شهرهای کوچک استان لرستان و روستاهای اطراف شهر به خرم‌آباد دانست. مهاجرت‌ها علاوه‌بر افزایش جمعیت شهر، باعث به‌وجود آمدن محله‌های جدید و توسعه محله‌های قدیمی شد. در دوره قاجار، بازار نیز در توسعه شهر، نقش داشته است. قدمت بازار خرم‌آباد

که در بافت قدیم این شهر و نزدیک به هسته اولیه آن قرار گرفته (نقشه ۱۰) به احتمال به دوره قاجار بازمی‌گردد. بازار خرم‌آباد، علاوه بر کارکرد اقتصادی، مهم‌ترین نقش را در زمینه ارتباطی و اجتماعی- مذهبی نیز داشته است (سازمان میراث فرهنگی استان لرستان؛ ایزدپناه، ۱۳۷۶؛ عیدی، ۱۳۸۷: ۴۳۳-۴۲۹). خرم‌آباد در دوره قاجار، بر محور مسجد جامع و بازار و به موازات آن گسترش می‌یابد و این امر مورد توجه مورخان، جغرافی‌دانان و سفرنامه‌نویسان قرار می‌گیرد (افشار، ۱۳۸۲: ۱۴۳؛ دوبد، ۱۳۷۱: ۴۰۱-۳۷۷؛ دوراند، ۱۳۴۶: ۱۶۹؛ راولینسون،

نقشه ۱۰: موقعیت بازار در بافت قدیم خرم‌آباد (Google Earth) (2012).



۱۳۶۲: ۱۲۹). وجود کاروانسراهای متعدد در مسیر خرم‌آباد - دزفول و کاروانسراهای درون شهری در مجاورت بازار و همچنین چاپارخانه خرم‌آباد (ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۹؛ عبدلی‌فرد، ۱۳۸۳: ۶۰۰)، حاکی از اهمیت نقش ارتباطی این منطقه است. به موازات آن، بازار نیز به‌عنوان گذر اصلی شهر که مهم‌ترین نقش را در زمینه ارتباطی ایفا نموده، بر اهمیت گسترش و توسعه شهری افزوده است. این نقش در دوره پهلوی، افزایش می‌یابد؛ به‌طوری که بیشترین توسعه فیزیکی شهر، متعلق به این دوره است.

ج. دوره پهلوی: محدوده دقیق شهر در دوره پهلوی با بهره‌گیری از برخی عکس‌های موجود، تعیین گردید. بر اساس آن‌ها شهر خرم‌آباد، در این دوره توسعه عمده و گسترش همه‌جانبه می‌یابد. این توسعه ابتدا در نیمه غربی رودخانه به جانب شمال تا محدوده باغ کشاورزی و محله منوچهرآباد و شاه‌آباد و باغ رحیم (مطهری فعلی)، سپس به جانب شرق تا محله‌های باغ دختران و شمشیرآباد، پس از آن، به جانب غرب تا محدوده سفیدکوه و در نهایت به طرف جنوب تا محله علوی بوده است.

با شروع زمامداری رضاخان و ارائه شعار تجدد، شرایط تغییر کرد و ارزش‌های پیشین و پایدار سازمان فضایی شهر، از بین رفت. در دوره پهلوی اول، دخالت شدید، در بافت و شالوده‌های شهری موجود، تنها به معنای ایجاد اصول شهری جدید نبود، بلکه هدف، حذف شالوده قدیم بود. لذا برای اولین بار در تاریخ شهرگرایی و شهرنشینی کشور، دولت مصمم شد تا چهره و ساختمان شهر را نه بر مبنای تفکر و تحول درونی، بلکه بر اساس اندیشه و تغییری برون‌گونی سازد (حبیبی،

۱۳۷۸: ۱۵۷). با شروع دوره پهلوی اول، عواملی چند از جمله انگیزه‌های ملی‌گرایانه و مهم‌تر از همه تفکر مدرن زاییده غرب، ساختار معماری کهن ایران را تغییر داد که مهم‌ترین شاخصه آن برونگرایی بود (کیانی، ۱۳۸۳: ۲۳۵). در این میان شهر خرم‌آباد نیز در دوره مذکور دچار تغییرات عمده در بافت سنتی خود و در نتیجه توسعه به جوانب مختلف گردید.

در اوایل حکومت پهلوی (در سال ۱۳۰۲ هـ.ش) با ورود نیروهای نظامی به خرم‌آباد و تثبیت اقتدار حکومت مرکزی و تفویض نقش جدید به خرم‌آباد به‌عنوان مرکز استان، توسعه شهر آغاز شد. توسعه تدریجی خرم‌آباد در دهه نخست حکومت پهلوی، در شرق شهر صورت گرفت. سرعت رشد شهر در این دوره نسبتاً به‌طور بطئی و کند صورت می‌گرفت که عامل اصلی آن، استحکام روابط سنتی تولید بود که موجب می‌شد مهاجرت از روستا به شهر کم باشد. پس از تأسیس شهرداری در سال ۱۳۰۵ هـ.ش، با احداث خیابان‌های جدید و نیز به‌تدریج با ایجاد محلات مسکونی جدید در نیمه غربی، توسعه شهر به سمت شمال ادامه یافت. تا سال ۱۳۰۷ هـ.ش محدوده شهر خرم‌آباد به دو منطقه "پشت‌بازار" و "درب‌دلاکان" و انبوهی از باغات در اطراف و درون شهر منحصر بود. گسترش محدوده شهر در این دوره با نابودی باغ‌ها همراه بود (عیدی، ۱۳۸۷: ۴۳۰).

با کودتای ۱۳۳۲ هـ.ش و اعمال سیاست‌های اقتصادی جدید، توسعه شهر خرم‌آباد سرعت گرفت و در نهایت با تصرف اراضی و باغات جنوبی، منطقه مسکونی جدیدی به‌نام "علوی" به‌وجود آمد. عامل این گسترش، احداث پل خرم‌آبادی بر روی رودخانه خرم‌آباد در سال ۱۳۳۰ هـ.ش بود (طاهریان، ۱۳۷۸: قاسمی، ۱۳۷۸). تحولات اقتصادی - اجتماعی دهه ۱۳۴۰ هـ.ش نیز منجر به توسعه فیزیکی بیشتری شد. در این دهه، تزریق درآمدهای نفتی بر پیکر شهرها، موجبات رونق شهرنشینی را فراهم آورد و مهاجرت‌های روستایی، سرعت بیشتری گرفت و با بلعیده شدن روستاهای مجاور شهر، ترکیب و سیمای شهر دگرگون گردید. توسعه شهر از دهه ۱۳۴۰ هـ.ش به بعد، در وهله اول با توسعه عرضی از دامنه کوه‌ها به طرف رودخانه و توسعه به جانب غرب هسته اولیه شهر و پس از اطمینان از اشباع محوطه‌های عرضی دره، در جهت طولی (شمالی - جنوبی) صورت گرفته است. به‌دلیل این محدودیت گسترش عرضی دره، شهر خرم‌آباد در دوران اخیر، گسترش شمالی - جنوبی داشته و این روند، تا کنون نیز ادامه یافته است. استنباط می‌شود که محور ارتباطی بسیار قوی به طرف اهواز و اراضی مسطح اطراف آن، از عوامل اصلی توسعه در جهت جنوبی شهر بوده‌اند. بر عکس، ارتفاعات سنگی و تپه‌های موجود در جهات شرقی و غربی و نیز وجود گورستان شهر در جنوب غربی، از موانع توسعه فیزیکی خرم‌آباد محسوب می‌گردند. به هر حال، محدوده شهر در بخش‌های جنوبی با وجود زمین‌های کشاورزی، گسترش چشمگیرتری داشته است.

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری شهر خرم‌آباد به احتمال از قرن پنجم هجری قمری و به‌طور

تدریجی آغاز می‌شود و این شهر در قرن هفتم هجرت می‌یابد. چگونگی روند توسعه خرم‌آباد، تحت تأثیر مستقیم پدیده‌ها و عوامل طبیعی، مانند کوه و رودخانه صورت می‌گیرد؛ به طوری که وجود ارتفاعات زاگرس غربی در جانب شرقی و غربی شهر، توسعه خرم‌آباد را بدین جهات محدود نموده و برعکس رشد شهر را در جهات شمالی و جنوبی به دنبال داشته است. شهر به موازات رودخانه‌های خرم‌آباد و کرگانه نیز از شمال به جنوب پیش رفته و به طور نسبی، شکلی خطی و کشیده پیدا کرده است. آبرفت‌های حاصل از این رودخانه‌ها، به‌ویژه در جنوب منطقه نیز عاملی در جهت توسعه بیشتر شهر به این جانب به حساب می‌آیند. دیگر عامل اصلی توسعه شهر در جهت جنوب، محور ارتباطی بسیار قوی به طرف خوزستان و اراضی مسطح اطراف آن، بوده است؛ همان‌طور که محور ارتباطی شمال شهر به جانب کرمانشاه، همدان و الشتر نیز عامل توسعه شهر به جانب شمال به‌شمار می‌آید. شواهد باستان‌شناسی، تحلیل داده‌های GIS مربوط به گسترش شهر و همچنین مندرجات متون، دلالت می‌نمایند که اوج توسعه و رونق شهری خرم‌آباد، در دوره‌های صفوی و پهلوی بوده است.

سیاست‌ها و برنامه‌های کلی شاهان صفوی، به‌ویژه شاه عباس اول در خصوص اهمیت دادن به تجارت، احداث جاده، پل و به‌ویژه کاروانسراهای متعدد که تأمین امنیت و آسایش کاروانیان را به دنبال داشته، به وضوح در این منطقه نیز اعمال شده است؛ به طوری که در دوره مذکور، کاروانسراهایی به‌ویژه در مسیر جنوب یعنی جاده خرم‌آباد - دزفول و پل گپ در جانب شرقی شهر احداث شده است. عامل مذهبی نیز که به شدت مورد توجه شاهان شیعی مذهب صفوی بوده، با توجه به احداث مسجد جامع و توسعه مقبره زیدبن علی (ع) در این دوره، در توسعه و آبادانی خرم‌آباد عصر صفوی، نقش مؤثری داشته است. عامل سیاسی یعنی اهمیت دادن حکام محلی والیان لرستان به خرم‌آباد را باید به‌عنوان سومین عامل رشد و توسعه خرم‌آباد در عصر صفوی در نظر گرفت.

شهر در دوره قاجار، احتمالاً به علت نزاع‌های قومی و قبیله‌ای در سراسر لرستان، توسعه چندانی نداشته و این امر، کم‌توجهی نسبت به چگونگی نظام شهری رابه دنبال داشته است. اما در دوره پهلوی بیشترین توسعه در سطح شهر، آن هم توسعه‌ای همه جانبه، بر اثر عوامل زیر بوقوع می‌پیوندد:

۱. دگرگونی ساختار و بافت قدیمی شهر و تجدد نظام شهری مبتنی بر غربگرایی توسط دولت وقت.

۲. تفویض نقش جدید به خرم‌آباد به‌عنوان مرکز استان لرستان.

توسعه خرم‌آباد در دهه‌های نخستین حکومت پهلوی در جانب شرق صورت گرفته که علت آن ارتباط این شهر به‌عنوان مرکز استان با تهران به‌عنوان پایتخت کشور در دوره پهلوی بوده است. در این دوره با ساخت پل خرم‌آباد در سال ۱۳۳۰ هـ.ش، شهر برای اولین بار به‌جانب جنوب گسترش می‌یابد و زمین‌های مزروعی جنوب منطقه، مسکونی می‌گردد. پس از دهه ۱۳۴۰ هـ.ش، بر اثر تحولات اقتصادی در سطح کلان کشور، تزریق درآمدهای نفتی بر پیکر شهرها و مهاجرت بیشتر روستاییان به شهرها از جمله خرم‌آباد، شهر گسترده‌تر می‌شود. شهرها معمولاً در جهتی که روستاهای بیشتری وجود دارد، رشد سریع‌تری

می‌یابند و لذا مناطق جنوبی دره خرم‌آباد که پیش از این، زمین‌های مزروعی بودند به دلیل سطح هموارشان و مناطق شمالی نیز به علت وجود روستاهای بیشتر نسبت به سایر جهات شهر، از دیگر عوامل گسترش عمده شهر به جانب شمال و به ویژه جنوب بوده‌اند.

نتیجه‌نهایی این پژوهش دلالت می‌کند که علت وجودی شهر خرم‌آباد و گسترش آن در درجه نخست تابع شرایط جغرافیایی، طبیعی و اقلیمی و در مرتبه بعد، موقعیت محوری و ارتباطی آن شهر بوده است؛ چرا که این منطقه در یک چهارراه ارتباطی از غرب به شرق و شمال به جنوب قرار گرفته است.

سپاسگزاری

در پایان نگارندگان بر خود فرض می‌دانند از راهنمایی‌های ارزشمند خانم دکترهایده لاله، استادیار محترم گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران؛ مسئولان محترم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان لرستان به ویژه آقای جلال عادل‌کارشناس ارشد باستان‌شناسی این سازمان که در دستیابی به منابع اطلاعاتی این سازمان کمک نمودند و هم‌چنین آقای مهندس بهاروند مدیریت محترم شهرسازی و معماری سازمان مسکن و شهرسازی استان لرستان تشکر و قدردانی نمایند.

کتابنامه

- آریا، محمدحسین، ۱۳۷۶، لرستان در سفرنامه سیاحان، تهران: فکر روز.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی، ۱۳۵۱، الکامل فی التاریخ، ترجمه: علی‌هاشمی حائری، ج ۹، ۱۵ و ۱۶، تهران: علمی.
- ابن بلخی، ۱۳۶۳، فارسنامه، به اهتمام و تصحیح: گای لسترینج و رینولد آلن نیکلسون، تهران: دنیای کتاب.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمدبن حوقل ۱۳۴۵، صوره الارض، ترجمه: جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خلدون، ۱۳۸۳، العبر، تاریخ ابن خلدون، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، ج ۳، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمدبن محمدبن اسحاق، ۱۳۴۹، مختصرالبلدان، ترجمه: ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اسکندریگ ترکمان، ۱۳۵۰، تاریخ عالم آرای عباسی، به تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد ۱۳۷۳، ممالک و مسالک، ترجمه: محمدبن اسعد تستری و تصحیح: ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، ۱۳۶۷، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب.
- افشار، حسنعلی، ۱۳۸۲، سفرنامه لرستان و خوزستان (اراک، بروجرد، خرم‌آباد، دزفول و شوشتر)، رویدادهای شاه مرد (۱۲۶۴ هـ.ق)، ترجمه: حمیدرضا دلوند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- ایزدپناه، حمید ۱۳۷۶، آثار باستانی و تاریخی لرستان، دوره دو جلدی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- پیشاپ، ایزابلا لوسی، ۱۳۷۶، «لر کوچک از نگاه یک سیاح»، شقایق، ش ۱: صص ۲۲۲-۲۲۴.
- پرویز، احمد، ۱۳۸۰، پل و تحول آن در قلمرو ابوالنجم بدرین حسنویه (قرن چهارم هجری)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- پورغلام، معصومه و ناهید خاکباز، ۱۳۷۶، «سکه‌های ضرب شاپورخواست»، شقایق، سال اول، ش ۳ و ۴: صص ۱۲۱-۱۲۶.
- جوینی، عطاء ملک بن محمد، تاریخ جهانگشای جوینی، به تصحیح: محمدبن عبدالوهاب قزوینی، تهران: هرمس.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، ۱۳۷۸، جغرافیای حافظ ابرو، مقدمه و تصحیح صادق سجادی، ج ۲، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- حبیبی، محسن، ۱۳۷۸، از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر)، تهران: دانشگاه تهران.
- حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۷۲، با مقدمه بارتولد، تعلیقات مینورسکی، ترجمه: میرحسین شاه، با تصحیح و حواشی: مریم میراحمدی و غلامرضا وره‌رام، تهران: دانشگاه الزهرا.
- حزین لاهیجی، محمدعلی بن ابوطالب، ۱۳۵۰، دیوان حزین لاهیجی، با مقدمه و تصحیح: بیژن ترقی، تهران: خیام.
- حمزه اصفهانی، حمزه بن الحسن، ۱۳۶۷، تاریخ پیامبران و شاهان (تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء)، ترجمه: جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین حسینی، ۱۳۳۳، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۳، بی‌جا: خیام.
- خودگو، سعادت، ۱۳۷۸، اتابکان لر کوچک، خرم‌آباد: افلاک.
- دالوند، حمیدرضا، ۱۳۸۸، تاریخ و معماری دژ شاپورخواست (قلعه فلک‌الافلاک)، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- دوبد، کلمنت اگوستوس بارون، ۱۳۷۱، سفرنامه لرستان و خوزستان، ترجمه: محمدحسین آریا لرستانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دوراند، ای. ار، ۱۳۴۶، سفرنامه دوراند، ترجمه: علی محمد ساکی، خرم‌آباد: محمدی.
- راولینسون، سر هنری، ۱۳۶۲، سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان)، ترجمه: سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- رزم‌آرا، علی، ۱۳۲۰، جغرافیای نظامی لرستان، بی‌جا: بی‌نا.
- روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۰، چاپ کتابخانه ملی ایران، ۱۸ شعبان ۱۲۷۲، نمره ۲: ۲۷۳.
- ساکی، علی محمد، ۱۳۴۳، جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان، خرم‌آباد: محمدی.
- سجادی، علی، ۱۳۸۴، «عنصر خشت در دژ شاپورخواست (قلعه فلک‌الافلاک)»، مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور: صص ۱۹۷-۲۲۸.

- طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر خرم آباد، ۱۳۸۹، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، مطالعات سطح یک، ویرایش نخست، مهندسان مشاور بهاوند مهراز، وزارت مسکن و شهرسازی.
- طاهریان، سیدمحمد، ۱۳۷۸، تاریخ تصویری لرستان، خرم‌آباد: پیغام.
- عبدلی‌فرد، فریدون، ۱۳۸۳، چاپخانه‌ها و راه‌های چاپاری در ایران، ج ۲، تهران: هیر مند.

- عیدی، حمید، ۱۳۸۷، یادگار عمر: خاطراتی از خرم‌آباد قدیم، خرم‌آباد: افلاک.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد، ۱۳۴۳، تاریخ جهان آرا، تهران: حافظ.
- قاسمی، فرید، ۱۳۸۲، تاریخ خرم‌آباد، خرم‌آباد: افلاک.
- قاسمی، فرید، ۱۳۷۸، خرم‌آبادشناسی ۲، خرم‌آباد: افلاک.
- قوچانی، عبدالله، ۱۳۷۳، «قلمرو حکومت ابوالنجم بدرین حسنویه به استناد سگه‌ها»، باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۱۶: صص ۴۶-۶۵.
- کاتالوگ سازمان میراث فرهنگی استان لرستان، ۱۳۸۹.
- کاظمی، ایرج، ۱۳۷۶، مشاهیر لر، بررسی پیشینه تاریخی، اجتماعی و ساختار شهری خرم‌آباد، خرم‌آباد: افلاک.
- کیانی، مصطفی، ۱۳۸۳، معماری دوره پهلوی اول، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- مجمل‌التواریخ و القصص، ۱۳۱۸، به تصحیح: ملک‌الشعراى بهار و به همت محمد رضانی، تهران: کلاله خاور.
- مستوفی قزوینی، حمدالله، ۱۳۶۲ الف، تاریخ گزیده، به اهتمام: عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مستوفی قزوینی، حمدالله، ۱۳۶۲ ب، نزهة القلوب، به سعی و اهتمام: گای لیسترنج، تهران: دنیای کتاب.
- مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه: علینقی منزوی، بخش دوم، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مورگان، ژاک ژان ماری دو، ۱۳۳۸، هیأت علمی فرانسه در ایران، مطالعات جغرافیایی (جغرافیای غرب ایران)، ترجمه: کاظم ودیعی، ج ۲، تبریز: چهر.
- مهریار، محمد، ۱۳۷۸، اسناد تصویری شهرهای ایران دوره قاجار، تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث فرهنگی کشور.
- میر، نصرت‌الله، ۱۳۸۸، تاریخ پانصد ساله لرستان (۱۰۰۶-۵۰۶ هـ.ق)، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله یاقوت‌ابن عبدالله، ۱۳۸۳، معجم البلدان، ترجمه: دکتر علینقی منزوی، ج ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- یزدی، شرف‌الدین علی، ۱۳۳۶، ظفرنامه، مصحح: محمد عباسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.

- Herzfeld, E. 1929, «Bericht über archäologische Beobachtungen im südlichen Kurdistan und in Luristan», AMI, vol.1: pp. 65-75.

- <http://maps.google.com>

and city information from GIS aiming to provide suitable information about the context of the current city of Khorram-Abad. Based on archaeological evidence, the center of modern city of Khorram-Abad and the initial core of the city in the Safavid period were determined. Valuable monuments and inscriptions of the Safavid period has been remained in Khorram-Abad which on based the initial core of the city in the Safavid period was determined. The city boundaries in the Qajar and Pahlavi era have been identified according to 1270 A.H map and aerial photographs of 1956 and 1969. It was the culmination of a period of prosperity and urban development and what factors have led to physical development in various aspects of the other objectives of this research. The present study is based on written sources and field work in the context of the old town and the exploration of the related maps, urban development has taken place. Accordingly, the summit of the development of Khorram-Abad has been the Safavid and Pahlavi periods lying at the middle of north to south transportation routes and its selection as the center of Luristan province at the Pahlavi period as well, are the most important factors in the development of the city; particularly in north and south directions. The existence of the Zagros mountain in the east and west sides of the city as a limiting factor and also the flat land and fertile southern city is leading to physical development at the north and south directions. The result of this research shows that the reason of existence of Khorram-Abad and its foremost function and its extension are the geographic and climatic conditions and central location and its relationship to the city is because this region is a crossroads from West to East and North to South

Keywords: City, Urban Development, Shapur-Khast, Khorram-Abad, Analysis GIS.

PAZHOHESH-HA-YE
BASTANSHENASI IRAN
Archaeological Researches of Iran
Journal of Department of Archaeology
Faculty of Art and Architecture
Bu-Ali Sina University

Urban Development Process of Khorram-Abad During the Safavid to Pahlavi Era, Based on GIS Analysis

Firouz Mahjour

Assistant Professor, Department of Archaeology, University of Tehran
fmahjour@ut.ac.ir

Mahtab Eslami Nasab

M.A in Archeology, University of Tehran

Received 2013/05/31 - Accepted 2014/04/19

Abstract

The formation of the modern city of Khorram-Abad, as a center of Luristan province in the western Iran, dates back to the middle Islamic period (probably 5-7 A.H). The formation and development process of the city has affected by the appropriate environmental and ecological conditions. Khorram-Abad has suitable conditions for human population from the prehistoric period through modern time. The major factors shaping the settlement and development of the region are suitable transport location as well as natural and geographical factors such as water resources, especially rivers crossing the city such as Karganeh and Khorram-Abad rivers. Before the modern formation of the Khorram Abad was a town, named Shapur-Khast backed to Sassanid the Early Islamic periods. It seems that Shapur-khast has been abandoned at the 7 or 8 A.H and Khorram-Abad flourished as the central town of the region. What we certainly know is that the core of the modern city of Khorram-Abad has been founded at the western side of Falak-ol-Aflak castle.

The earliest maps of the historic plan of the town, about the 1270 A.H, are produced by Russian surveyors. The present article is dealing with this map and aerial photos at the 1956 and 1969, the initial scope of the study and development of Khorram-Abad from the Safavid to the Pahlavi periods using data from GIS software and analysis. The most important studies in this area have been carried out by local researchers. Of course some researchers have done to Khorram-Abad valley field study by foreigners such as Sir Hennyry Rawlinson. As there are not much researches on the Islamic city of Khorram-Abad and urban development from inception to nowadays we will try to use archaeological evidence, images with texture maps